

چهارشنبه ۱۷ دیبِهشت ۱۴۰۲ ۲۶شول ۱۴۴۴ – ۱۷ مه ۲۰۲۳ – سال بیست و دوم – شماره ۵۸۸

فرشاد مومنی استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و مدیر موسسه مطالعاتی دین و اقتصاد؛ در جلسه‌ای با عنوان «اقتصاد سیاسی بهشتی سستیزی» اظهار کرد: بهانه این بحث واکاوی اعتبار علمی ادعاهایی بوده که مدتی است بیش از گذشته درباره اصول اقتصادی قانونی اساسی مطرح می‌شود. علت انتخاب این موضوع این استست که از قانون اساسی این مهم‌ترین ذخیره‌های دانیی کشور و پایدارترین میناق ملی ایرانیان کمک بگیریم و نسبت خودمان را با شرایط و نیازهای کنونی جامعه مشخص کنیم تا تلاش‌هایی که برای انحراف اذهان مردم و حکومتگران از مسائل کشور صورت می‌گیرد، را مشخص کرده و فرصتی فراهم کنیم که در آن به آن شبهه‌ها و نقدهایی که مطرح می‌شود پاسخ دهیم و ببینیم چگونه می‌توانیم دست اندرکاران را برای مهار گرفتاری‌ها کمک کنیم تا با دقت بیشتری کار خود را جلو ببرند.

صد رحمت به دایی جان ناپلئون!

او به مناظره اخیر اقتصادی در شسبکه افق اشاره کرد و گفت: در گفت و گویی در تلویزیون مسائلی مطرح شد که مناقشه‌های مختلفی به آن وارد است اجمالا آنچه در این گفتگو مطرح شد نه نسبتی با علم داشت نه با اخلاق و نه نسبتی با مسائل جدی مبتلا به کشورمان. اما این جلسه چرخید و چرخید و مباحث مختلفی را مطرح کردند تا این‌ک که یکباره همه چیز کنار رفت و گویی کسانی با کشف و شهود متوجه شدند که اصول اقتصادی قانون اساسی ما با ترنفدهایی از ناحیه روس‌ها قالب شده و به برجسته‌ترین اسلام شناسان قرن بیستم که بخشی از آنها مستقیما در مجلس خیرگان قانون اساسی حضور داشتند اتهاماتی زده شد. این که چطور ماجرا به اینجا رسید و صحنه آرای غیرمتعارف و مشکوکی شد که به سبکی که در ادامه توضیح خواهم داد طوری این صحنه آرای صورت گرفت که باید گفت صد رحمت به دایی جان ناپلئون! سر و کله کیانوری و اولیانوفسکی و اوشانا پیدا شده و همه هم در حیطه اصول اقتصادی تحت تاثیر ماجرا سازی قرار گرفتند.

او افزود: از جنبه روش شناختی یکی از حیاتی ترین مسائلی که در امور اجتماعی و انسانی، ادراک انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد وقوف روش شناختی و نقض اطلاعاتی انسان‌هاست و باعث می‌شود این نوع تلاش‌ها را توطئه‌آمیز و توهم‌آمیز ببینیم و حمل بر صحت کنیم. اتفاقا این حمل بر صحت تمدن سباز بوده و مثلا در اقتصاد به صورت نمادین در سال ۱۹۷۴ همزمان با اعطای جایزه اقدی اقتصادی نوبل به گونار میردال، به فردریش فون‌هایک هم این جایزه اعطا می‌شود. گرچه به گمان من بین این دو فاصله زیاد است و کسانی میردال را با اسمیت که مقام تالیسیسی دارد، مقایسه کرده‌اند و نشان داده‌اند که او همه صلاحیت‌های یک بنیان گذار را دارد و حتی مزیت‌هایی دارد که اسمیت هم نداشته است، در چارچوب وقوف روش شناختی و نقض اطلاعات انسان‌ها، فردریش‌هایک هم محترم است و مارکسیست‌ها محترم هستند تا آنجا که در فواره علم در رویکرد نظری به آنها نگاه کنیم. اما وقتی مساله از ساحت ادب علمی خارج می‌شود و بر چسب زنی و خلاف گویی اتفاق می‌افتد باید حواسمان را جمع کنیم.

آدرس‌های غلطی که به جامعه می‌دهند

مومنی ادامه داد: جامعه باید حواسشان را جمع کند و بداند که ما در منطقه بسیار پر آشوب در جهان پر تلاطم با انبوهی از گرفتاری‌های داخلی روبرو هستیم و اگر کسانی به هر دلیلی آدرس‌های غلط بدهند برای جامعه ما لطمه ایجاد می‌کند؛ حال آنکه ما باید منافع ملی را مینا قرار دهیم. اگر کسی می‌خواست با ادب علمی نشان دهد که آیت الله بهشتی تحت تاثیر اندیشه چپ بود باید تعریف عملیاتی خود از مفهوم چپ را ارائه می‌کرد. وقتی این کار را نمی‌کند و بعد خلاف‌گویی و شائبه ایجاد می‌شود دیگر حمل بر صحت کردن، دشوار است.

ا حترم بهشتی به مالکیت خصوصی و عدالت اجتماعی

در قالب دستگاه فکری اسلام است

او با اشاره به برخی سخنان خود در جلسات قبلی موسسه دین و اقتصاد در ادامه گفت: در صحبت‌های عمومی این را مطرح کرده‌ام که اندیشه اسلامی سابقه‌اش هزار سال بیشتر از لیبرالیسم و مارکسیسم است و وقتی آیت‌الله شهید بهشتی به عنوان یک مسلمان علم در استناداری که در قرن بیستم بی نظیر بوده، به آن مالکیت خصوصی و آزادی فردی و انتخاب‌گری انسان می‌پردازد، او را به تمایلات لیبرالی متهم می‌کنند یا اگر مباحث مطرح او در باب عدالت اجتماعی را تحت تاثیر تمایلات سوسیالیستی مطرح کنیم دچار خطا می‌شویم؛ چرا که هر آدم اهل خردی می‌فهدم که این احترامی که شهید بهشتی به مالکیت خصوصی یا از آن سو به عدالت اجتماعی می‌گذارد در قالب دستگاه فکری اسلام است که سابقه‌ای هزار سال بیش از مارکسیسم و لیبرالیسم دارد. قانون اساسی یک سند پرافتخار است اما بی نقض نیست چون محصول بشری است

این استاد دانشگاه به انتقاده‌ا از قانون اساسی اشاره کرد و گفت: هرکس که الفبای توسعه را بلدانی می‌فهد که ما امر اقتصادی مستقل از اجتماع و فرهنگی و سیاسی نداریم و در واقع بحث‌هایی که درباره اول اقتصاد قانون اساسی مطرح شد اگر در کادر علم باشد، باید پیوند آن جهت گیری‌های اقتصادی را با سایر جهت گیری‌های قانون اساسی ارزیابی کنیم و یکی از نکته‌های آن مناظره حکایت می‌کند که دقت علمی بایسته در این زمینه رعایت نشد. به صورت ایجابی این نکته را عرض می‌کنم که قانون اساسی ما در اصول بی محصول بشری است و آن محصول بشری همواره قابل نقد است و جا برای اصلاح و تصحیح دارد. و تدوین کنندگان قانون اساسی هم ادعا نکرده بودند که این اصول غیرقابل گفت‌وگو است؛ اما در عین حال این قانون اساسی در زمان تصویب نهایی اش یکی از پر افتخارترین اسناد هویت جمع یافته تاریخ اندیشه ی بالغ بر هزار ساله گذشته ایران است.

قانون اساسی ما در اصول، یک محصول بشری است و محصول بشری همواره قابل نقد است

و جا برای اصلاح و تصحیح دارد و تدوین کنندگان قانون اساسی هم ادعا نکرده بودند که این اصول غیر قابل گفت‌وگو است

پس یک دستاورد سترگ است اما بی نقض نیست و محصول بشری است.

سه گروه دانایی مشهود در تدوین قانون اساسی
او ادامه داد: قانون اساسی از نظر کیفیت با همه نقدهایی که شخصا به آن دارم می‌حد ذاته از این نظر نزد من بسیار گرایی است و یکی از بی نظیرترین ترکیب‌ها از سه گروه دانایی در این سند قابل مشاهده است. این سه گروه دانایی عبارتند از اول: «شناخت بسیار عمیق از تاریخ اقتصادی سیاسی و اجتماعی ایران» دوم: «گاهی نسبتا عمیق از آخرین دستاوردهای نظری دانش توسعه‌ه البته تا آن زمان؛ و سوم: «خورداری از یکی از به روزآمدترین فهم‌های متناسب با اقتضات زمانه از دیدگاه اسلامی»

اصول قانون اساسی مطابق با نظر اکثر اقتصاددانان عصر خود بود
فرشاد مومنی در ادامه با بیان اینکه اظهاراتی که درباره چپ گرایانه بودن اصول اقتصادی قانون اساسی زده شده است تا مرز بی صلاحیتی هیچ ردی از آگاهی به این سه گروه معرفت‌ها را ظاهر نمی‌کند، تصریح کرد: اگر مثلا در اصول اقتصادی قانون اساسی توسعه‌ه رتبه‌ای نیست به دولت ببینیم، این به معنای تمایل دولت سنالازی نیست بلکه به دلیل فهم عمیق از مساله توسعه و جزء اصول موضوعه توسعه است که دولت نقش کلیدی در سرنوشت جامعه اش داشته باشد و هیچ اتفاق مطلوبی هم به صورت تصادفی رخ نمی‌دهد چرا که اراده و اندیشه و سازمان مناسب خود را این زاینه توجه داشته باشد که باقی خواهد بود از این توسعه‌ه و یکی به همسان اندازه متکی به واقعی‌های علامانه به بالغ بر دو سوم بردگان جایزه نوبل در حیطه اقتصاد تا قبل از

فرشاد مومنی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی:

قانون اساسی یک سند پرافتخار است اما بی‌نقص نیست

در باره کارنامه اقتصادی پهلوی نه غلو کنیم و نه بی‌انصافی



است. به همان اندازه متکی به دانایی و توسعه است و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است.

توصیه امام علی (ع) به مقابله با مفت خورها

و احتکارگران اقتصادی

او در ادامه گفت: مهندس بحرینیان هفته قبل در فرهنگستان علوم بحث خوبی درباره «بازی خوردن نظام تصمیم‌گیری در عدم حساسیت کافی برای ارتقای بنیه تولیدی در کشور» با بیان نکاتی از نهج البلاغه مطرح کردند که آدم افتخار می‌کند که ابرام‌المومنین (ع) پیشسواي ماست. ایشان در مورد چگونگی کنترل مفت خورها و احتکارگرا به حکومتگرا ه هشدار می‌دهد و حمایت از صنعت گران را توصیه می‌کند. بنابراین، در عین حالی که می‌گویم قانون اساسی محصول بشری و قابل نقد بوده که در تجربه عملی کاستی‌هایی از آن دیده می‌شود اما در عین حال سندی نیست که هر کسی بی پروا و بی سند و برجسب زانه و به دروغ، چیزهایی را به آن نسبت دهد.

کارنامه افتخار آمیز برای پایبندان به قانون اساسی

این استاد دانشگاه علامه در ادامه سخنانش با اشاره به به افتخاراتی که قانون اساسی در تاریخ ایران رقم زده گفت: برخی سیاست گزاران که به شکل فاجعه آمیزی خود را ناتوان و بی

شاخص مداخله کلی دولت در اقتصاد طی سال‌های پایانی حکومت پهلوی ۶۳ درصد بود و در سال پایان جنگ این شاخص به ۴۰ درصد رسیده است.
آخر کدام شعور اقتصادی می‌گوید آن دولت که علی رغم شرایط جنگی مداخله دولت را کاهش داده، چپ گر ایانه عمل کرده است؟!

کیفیت نشان داده اند؛ بدانند که این قانون اساسی در دهه ساله اول بعد از پیروزی انقلاب تا زمانی که پایبندی نسبی به آن وجود داشت، افتخار آمیزترین کارنامه‌ها را رقم زده که باید از آن درس بگیریم. من در کتاب «کارنامه دولت جنگ» با استناد به کار بسیار ارزشمندی که بانک جهانی انجام داده بود، نشان دادم که طی آن ۱۰ سال و در مقایسه با قبل از انقلاب میزان اتکا به درص رسیدی در این افتخار ارزشمندی است که به اندازه بزرگی ایمنش، باید درک شود.

دولت جنگ، رات نفتی را کاهش داد و فعالیت‌های مولد را جایگزین کرد. در مقاله ای با عنوان «نحوه مواجهه با مزاد درآمد نفتی در سه تجربه شوک قیمت نفت» که سال ۹۰ در اقتصاد و جامعه منتشر شد، نشان دادم که در سه تجربه جهش قیمت نفت از سال‌های «۵۲ تا ۵۶» و «۵۸ تا ۶۴» و «۸۴ تا ۹۰» هر آن مقطع وسطی که به پیروزی انقلاب منتهی شده، هیچ یک از عوامل دست‌یاری هلندی و نفرین منبع در اقتصاد ایران ظاهر نشد و این دستاورد بسیار بزرگی است که بر اساس قانون اساسی حاصل شد و مردم می‌دانند که با تکیه بر این قانون اساسی بود که برای اولین بار در تاریخ اقتصادی ایران با وجود جنگ طولانی حتی یک مورد مرگ و میر ناشی از اپیدمی و قحطی نداشتیم؛ در حالی که در بعد از جنگ، مرگ و میر ناشی از قحطی سرم انقباض افتاده؛ از وقتی که بازارگرای مبتذل مبنای قاعده گذاری برای اقتصاد ملی شد.

پایین‌ترین نرخ رشد نقدینگی ایران

در ۵۰ سال گذشته؟
مومنی با انتقاد از زدن برجسب چپ گرایی به اصول قانون اساسی، یادآور شد: در آن ۱۰ سال ابتدایی انقلاب، شاهد پایین ترین نرخ رشد نقدینگی و تورم در ۵۰ سال اخیر بوده ایم و در عین حال، پایین ترین میزان واردات مصرفی لوکس و تجملی متعلق به آن دوره بوده و سهم امور اجتماعی و مسئولیت پذیری حکومت در زمینه سلامت و آموزش و تغذیه و مسکن مردم، بالاترین حد در تجربه اقتصادی ۷۰ ساله بوده است.

این استناد دانشگاه تاکید کرد: حیاتی ترین مساله برای آنها که می‌خواهند شرافت مندانه بحث کنند این است که آن قانون اساسی باعث شده که مداخله‌های توسعه‌ه گرا و اعتلابخش حکومت در قله تاریخی خود قرار گیرد و مداخله‌های اختلال زا برای نقش آفرینی بخش خصوصی مولد به حداقل تاریخی خود رسید.

آنجا که مافیای دولت و مجلس را تصرف می‌کند

مومنی در ادامه گفت: عسده ای از درجه بازارگرایی مبتذل، دولت چپ گرا و دولت راستگرا را مطرح می‌کنند و عقب ماندگی ذهنی خود را نشان می‌دهند. دهه‌ها است در ادبیات توسعه بحث بر سر این است که با اجازه «عملکرد آزادانه» دادن به نیروهای بازار در یک ساخت توسعه نیافته، مافیای شکل می‌گیرد و با این اتفاق بازار و دولت جایگاه خود را از دست می‌دهند و دولت و جنگ وجود دارند و از طرفی وقتی به دروغ گویی هم متوسل می‌شوند، دیگر حمل بر صحت گرفتن آید انسان‌های غلط و رفتارها دشوار می‌شود.

اذعان منتقدان به کاهش شاخص مداخله کلی دولت در زمان جنگ

فرشاد مومنی به سند پیوسته شماره یک قانون برنامه اول توسعه ایران اشاره کرد و گفت: این سند را کسانی نوشندند که در زمره رادیکال ترین منتقدان اقتصادی کشور در دوره جنگ بودند.

بازارگرایی مبتذل سینه می‌زند نمی‌گویند که به نام بازارگرایی چه بر سر تولید کنندگان آوردند! چپ گرا خواندن شهید بهشتی و ۱۰ سال اول بعد از انقلاب، صرفا نوحه سرایی‌ها برای باز کردن راه شوک درمانی است چون شوک، نیروی محرکه فساد خوارها و رباخوارهاست و این آبی که گل آلود می‌شود برای رباخواران و دلال‌ها دستاورد دارد.

تلاش‌ها برای انحراف اذهان مردم و مسئولان از مشکلات است

این استاد دانشگاه با تاکید بر این که «باید حواسمان باشد که مملکت ما در شرایط خیلی خطیری قرار دارد» گفت: چرا تمرکز روی ملوک کردن شهید بهشتی است؟! تلاش برای انحراف اذهان مردم و مسئولان از مشکلات است. با تحلیل دقیق شرایط کشور می‌شود فهمید که این سرزمین گرمای در عین حال که از ظرفیت‌های مادی و انسانی به غایت بالا و منحصر به فرد و یک اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بسیار خارق العاده برخوردار است؛ این مملکت مناسفانه اکنون در چارچوب عمل به برخی توصیه‌های مبتنی بر آزاد سازی و خصوصی سازی و شوک درمانی و حذف سوسیدها، یکی از ملوک ترین ایام خود در ۵۰ سال اخیر را تجربه می‌کند!

روس‌ها و انگلیسی‌ها با وجود اختلافات علیه ایران متحد شدند

حال از آنجا که این شرایط با حد شدن منازعه هزموبک بین آمریکا و چین مصادف شده، هر بار که این منازعه‌ها ایجاد می‌شود، اراده‌هایی شکل گرفته می‌شود که بنیه تولیدی ایران کاهش و آسیب پذیری و اتکای ما به بیرونی‌ها را افزایش دهد و به اعتبار اهمیت ایران، کشور نقش‌نشر را بازی کند تا منافع هر دو طرف منازعه تامین گردد. عین این مساله در پیروزی انقلاب مشروطه هم هست. روس‌ها و انگلیسی‌ها با وجود همه مشکلاتی که با هم داشتند اما مشروطیت پیروز شد موافقت نامه ۱۹۰۷ را امضا کردند که در مورد ایران هماهنگ باشند. حال در این شرایط، تصادفی نیست که بهشتی را چپ گرا معرفی کنند!

رسانه‌ها نگذارند آسیب‌های کودتای ۲۸ مرداد

و دوره مشروطیت تکرار شود

فرشاد مومنی از رسانه‌ها خواست تا اجازه ندهند آسیب‌های دوره‌های مشروطیت و ملی شدن صنعت نفت تکرار شود و تاکید کرد: در ملی شدن صنعت نفت؛ جهان در حال جایگزین کردن نظم آمریکایی حاکم بر جهان با نظم انگلیسی بود و آمریکا و انگلیس تعارض منافع داشتند. اما هر دو بر سر ساقط کردن دولت ملی دکتر مصدق همراه بودند و اختلافات را کنار گذاشتند؛ دوره کودتا کرده‌اند می‌دانند که اینها قبل از آن که اتحادشان را علیه دولت ملی به کار ببرند، خود تک نفره و مجزا از دیگرگ، تلاش‌هایی برای ساقط کردن دولت مصدق انجام داده که با هم اتلاف کردند و آن کودتا شکل گرفت. حال با خود فکر کنید آیا اکنون این می‌تواند تصادفی باشد که به بهشتی برجسی می‌زنند که همان را به مصدق هم می‌زدند؟!

خطر منازعه هزمونیک آمریکا و چین برای ایران!

چین استاد دانشگاه نسبت به خطر منازعه هزمونیک آمریکا و چین برای ایران هشدار و افزود: در هر دوره ای که منازعه هزمونیک‌ها حد شکل می‌گیرد، تلاش‌ها برای ساقط کردن نیه تولید در ایران بوده تا ایران متکی به خارج شود. من به این دولت و دولت قبلی درباره قراردادهای بلندمدتی که روسیه و چین منعقد کرده اند همین هشدار را میدم که تمام قرارداده‌ا تا جایی که مناسف‌تر نشان داده ام که چگونه در این قراردادها روس‌ها و چین‌ها با هم شانه شده اما دربرازه اینکه این قرارداد چه منافی برای توسعه ملی و ارتقای بنیه تولید فناوریانه دارد، سکوت و ابهام وجود دارد و حتی مسواردی در جهت خلافتش هم دیده می‌شود!

بنابراین بحث ما بر این استست که آن سه گروه دانایی که در قانون اساسی مبنای آن جهت گیری‌ها بوده و آن دستاوردها را داشته است، حال که منازعه هزمونیک است، به مراتب اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اهل نظر و مطالعه؛ اسناد استراتژی امنیت و دفاعی از مقاصد آمریکا و چین در ۱۰ ساله گذشته را بخوانند تا ببینند که ماجرا چقدر جدی است و چقدر باید هزینه کنند تا پوست خربزه ای به نام اوکراین را زیر پای پوتین و شبه تزاری او ببیندازند! اینها حساب و کتاب و دارد و ما باید حواسمان را جمع کنیم.

فرشاد مومنی با اشاره به سخنانی که اخیرا علیه شهید بهشتی از سوی برخی افراد مطرح شده است گفت: این ساطی که راه می‌انازند که صاحبان افتخارآمیزترین دستاوردهای علمی و عملی در ایران را ملوک کنند، این دلیل است که در این شرایط اگر ما از نظر بنیه اندیشه ای نسبت به افتخارآمیزترین‌ها به تردید بیفتیم و نقش‌نشر را در این منازعه جهانی ایفا کرده و حکومت‌ها به مردم پشت کنند؛ قطعاً به حکومت دست نشاندۀ تبدیل می‌شوند.

تفکر شهید بهشتی؛ نجات بخش ایران از مشکلات اقتصادی فرشاد مومنی بسا تاکید بر اینکه برای نجات ایران و بیرون رفتن از گرفتاری‌ها، ذخیره دانایی به میراث مانده از آیت الله شهید بهشتی، استستتباب و منحصر به فرد است؛ ادامه داد: این که می‌بینید بهشتی محور حمله قرار می‌گیرد، از این درجه و بنابر تفاسیری که مطرح شده است، قابل اعتنا است. من به سبکی که عزیزان انجام می‌دهند برجسب نمی‌زمم اما به صورت ایجابی می‌گویم که ذخیره دانایی بهشتی می‌تواند ایران را نجات دهد و اتفاقا در این سال‌ها، هر کجا از اندیشه آن شهید عدول کردیم به بحران رسیدیم، توجه شما را به کتاب بی نظیری جلب می‌کنم که آقای محمد سروش محلاتی به عنوان «بازگشت از بهشتی و بازگشت به بهشتی» تدارک دیدند. در آنجا نشان داده شده که چطور عدول از مرام و استنادردهای اندیشه‌ای توسعه ساز آیت الله بهشتی، یک به یک نقاط قوت دهه اول بعد از انقلاب را به ضعف تبدیل کرد و ما بر این بحران‌ها رسانده است.

همه‌های مافیایی به اسم دلسوزی برای بخش خصوصی، علیه تفکر شهید بهشتی!

او گفت: در شرایطی که کشور با این همه مشکل مواجه است می‌بینیم موج رسانه ای و مافیایی راه می‌افتد و سناریویسازهای غیرعادی شکل می‌گیرد تا بهشتی را ملوک کند و این اصلا عادی نیست؛ زستی که می‌گیرند این است که از موضع دلسوزی برای بخش خصوصی این کار را می‌کنند اما این درست « حکم زدنی را دارد که بر چم آی دزد در دست گرفته است» «ببینید تولید بنگاه‌های صنعتی و انگیزه هزاران بسط دادن طول و عرض بنگاه‌های صنعتی در ۱۰ سال اول بعد از انقلاب چقدر بوده و مستندات خود را ارائه دادند.

بی‌سابقه‌ترین فشارها برای مسئولان ایران؟
شما می‌دانید در سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ آمریکا و متحدان غیرعرب صدام حسین به این جمع بندی رسیدند که با آن شیوه‌ای که اقتصاد ایران اداره می‌شود، اینها به هدف خود در جنگ نمی‌رسند و تمهیدی کردند که ستون فقرات اداره افتخارآمیز جنگ ضربه بخورد و ایمن را طوری طراحی کردند که اولین شوک معکوس نفتی را تحمل کنند. دوست داشتم من «حسن تاش» در پژوهش‌های خارق العاده‌شان درباره آن مستندات خود را ارائه دادند.

قیمت نفت را در سال ۱۳۶۵ به زیر سه دلار در به بشکه رساندند و یک سر دیگر استراتژی آنها این بود که به جای مناطق سوق الجیشی، ظرفیت‌های تولیدی ایران را بمباران کنند. به اعتبار این دو شوک خیلی بزرگ، صنعت ایران در آن زمان بی‌سابقه‌ترین فشارها را تحمل کرد. یعنی آن سال‌ها، سال‌های بسیار بد صنعت ایران و بدترین هم سال ۱۳۶۷ بود. اما با این همه سختی؛ توان رهاقت در جهان که با شاخص مبادله و فساد را بالا ببرد.

در مقابل افرادی که زیر پرچم بخش خصوصی در قالب